



با تمام این‌ها وقتی درست نگاه می‌کنیم و مقایسه‌ای بین کیفیت کتاب‌های چاپ شده و نوع کتاب‌های عرضه شده داریم، این اتفاق کمی از لبخند نشسته بر لب ما کم می‌کند. کتاب خاص «زندگی و فیلمهای من» نوشته ژان رنوار سال ۱۳۶۹ در نوبت اول با تیراژ پنج هزار جلد چاپ شد. سایر کتاب‌های دهه شصت و هفتاد همه همینطور بودند. دوره‌ای که کتاب‌های خوبی به چاپ رسید. اما در سال‌های اخیر تعداد چاپ کدام اثر روی چه رقمی می‌چرخد؟ در میان آثار چاپ شده سینمایی گاهی اوقات با ترجمه برخی کتاب‌ها روبرو هستیم که برای درکشان نیاز به مترجم دیگری داریم! البته تعداد کتاب‌های تالیفی آموزش سینما هم در سال‌های اخیر رشد داشته است. اساتید ایرانی هم دست به قلم شده‌اند و با تکیه بر تئوری‌های سینمایی و مثال‌هایی از بلاغ فرنگ درس سینما می‌دهند. کتاب‌های تحلیلی و نقد هم همینطور! نقدها و تحلیل‌هایی که گاه به نظر می‌رسد جایز توی کتاب نیست. نیاز به اکران فیلم دارد یا جایز توی مجله است و...

### جبار آدین؛ منقد و مدرس سینما و تئاتر و تلویزیون حال سینما و حوزه نشر خوب نیست!

گرچه هنوز هم گاه به مناسبت یا غیرمناسبت، چند کتاب سینمایی سر از حوزه نشر در آورده و پشت و پشته و مغازه ناشران و کتابفروشان قرار می‌گیرد و چند تن اهل سینما و دانشجویان و علاقه‌مندان سینما آن‌ها را خریده و در قفسه یا کنج اتاق خود می‌چینند، ولی واقعیت اینک به موازات رشد کتاب‌خواندن در جامعه و احساس به غلط بی‌نیازی به کتاب و مطالعه و پژوهش و سهل‌الوصول بودن دسترسی به فضای مجازی و کمبود وقت، بسیاری از جمله جوانان ترجیح می‌دهند به جای مطالعه کتاب‌های جامع و مانع و کاربردی سینمایی، شتابان و صرفاً سری به فضای مجازی زده و به اطلاعات اندک و گاه ناقص و حتی در مواردی غلط آن بسنده و دلخوش کنند. ولی روشن است که این نوع ناخن زدن مطالعاتی کار ساز و بر بنیادی نیست و نمی‌تواند ساختار افکار و بینش سینمایی سینمادوستان را شکل و قوام بخشد.

در دهه‌های شصت و هفتاد اوضاع چاپ و انتشار کتاب‌های سینمایی بهتر بود و حوزه‌های سینما و نشریات و کتب سینمایی کم و بیش در یک مسیر فرهنگی فعال و به یکدیگر نزدیک بوده و هوای هم را داشتند. اینگونه بود که در طول سال ده‌ها کتاب سینمایی تخصصی که اغلب آنها را ترجمه‌های خوب سینمایی تشکیل می‌داد و کتاب‌های سینمایی مفید نیز، تالیف و منتشر می‌شد و در این گستره، جمعی از نویسندگان و منتقدان و استادان سینما پر کار بودند و حال سینما و نشر در مسیر تعالی فرهنگی و ارتقای آگاهی‌های سینمایی مساعد بود. کتابهای سینمایی بزرگان سینمای ایران و جهان که عمدتاً شامل مباحث تخصصی و آموزشی و فیلمنامه‌های سینمایی بودند، مشتری‌های علاقه‌مند و پروپاقرص خود را داشتند، اما اکنون که نه سینما سر حال است و نه احوال نشر روبرو، کتاب‌های خوب در تیراژ پایین و به ندرت چاپ می‌شود و برخی سینماگران و دانشجویان بی‌حوصله، حال مطالعه ندارند و حضور و فعالیت خود در سینما را از بیراهه‌های رفاقت و سیاست و تجارت طی می‌کنند. قشرهای گوناگون جامعه نیز بیشتر در پی کسب معاش اند تا تحصیل علم. این روزها دیگر کمتر کسی را می‌شود یافت که با یار مهر بان، مهر بان باشد. از همین رو حوزه نشر سرگرم سر و کله زدن با بازار کاغذ و چاپ و انتشار و ناشر است. حقیقت تلخ اینک، دوران دانش محوری و فعالیت هنرمندان باسواد در این بازار مکاره سپری شده و کمتر سینماگر با دانشی فیلم می‌سازد و مولفی کتاب سینمایی می‌نویسد. با این وقایع است که حال سینما و نشر و کتاب‌نویسی و کتابخوانی خراب است و مردم به فکر پر کردن سبد خانوادگی از نان هستند تا کتاب و نشریات. صد البته واضح است که با دستور و شعار حال‌ها بهبود نمی‌یابد. چرا که اداره سینما و حوزه نشر در دست متخصصان و کاربلدان نیست. افزون بر این، وقتی سینما همسو با نیازها و فرهنگ جامعه حرکت نمی‌کند و حوزه نشر نیز تلاش خود را مصروف چاپ و انتشار کتاب‌های سفارشی دولتی و نهادهای می‌کند و شرط شراکت مالی در چاپ و انتشار کتاب از سوی ناشران، دست‌های نویسنده‌گان و مولفان را بسته است و بر عهده کتابخوان‌ها افزوده شده، حتی اگر در سال یکی، دو کتاب خوب سینمایی هم چاپ شود، وارد کلکسیون کتاب‌ها می‌شود. نمایشگاه بین‌المللی کتاب نیز باید از وضعیت نمایشی و دکوری خارج شود و مسوولان آن پیش از جلوه‌فروشی غیر واقعی در ویتترین نمایشگاه در اندیشه اجرایی حمایت از نویسندگان مستعد کتاب‌های سینمایی و فعالان متعهد حوزه نشر باشند. کار اگر به کاردان سپرده شود و مشکلات معیشتی مردم و اهالی هنر و قلم و نشر و رسانه درست شود، می‌شود به فردای رونق تولید و انتشار کتاب و از جمله کتابهای سینمایی امیدوار شد.

طبقه متوسط و تحصیلکرده کم‌رنگ شده و شمارگان (تیراژ) کتاب به شکل چشم‌گیری کاهش پیدا کرده است. چالش‌های متعددی وجود دارد که مانع از رشد و توسعه کامل آن می‌شود. قیمت بالای کاغذ و مواد چاپ، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی ناشران کتاب‌های سینمایی است. از سوی دیگر ممیزی کتاب‌ها در ایران، گاه مانع از انتشار برخی آثار فاخر و ارزشمند در حوزه سینما می‌شود.

حمایت‌های دولتی از ناشران کتاب‌های سینمایی، در مقایسه با سایر حوزه‌ها، ناچیز است و ظهور رسانه‌های جدید مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تا حدی از اقبال عمومی به کتاب‌های چاپی کاسته است. این موضوع، چالش جدیدی را برای ناشران کتاب‌های سینمایی به وجود آورده است؛ مثلاً نسل زد در ایران چندان به مطالعه کتاب‌های کاغذی و حجیم تمایلی نشان نمی‌دهند.

برای رهایی از مشکلاتی که در بالا برشمردم، چه کار می‌توان کرد؟ افزایش حمایت‌های دولتی از ناشران کتاب‌های سینمایی، از طریق یارانه، تسهیلات بانکی و معافیت‌های مالیاتی، ایجاد و توسعه کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و انجمن‌های سینمایی، حمایت از انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی؛ استفاده از فناوری‌های جدید مانند نشر رومیزی، کتاب‌های الکترونیکی و صوتی، حمایت از نویسندگان و مترجمان فعال در حوزه سینما، ترویج فرهنگ مطالعه، به ویژه در میان نسل جوان، همه و همه می‌تواند به تنوع بخشی به این بازار و افزایش کیفیت محصولات ارائه شده نیز کمک کند و همچنین با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران، نظیر برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها، تقویت حضور در فضای مجازی... می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و اتخاذ تدابیر مناسب، بازار نشر کتاب‌های سینمایی را به طور قابل توجهی ارتقا داد. این امر می‌تواند به رشد و توسعه صنعت سینما در ایران و همچنین ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی در این حوزه کمک کند. باور دارم با تلاش و همدلی همه فعالان این حوزه، می‌توان آینده‌ای روشن برای بازار نشر کتاب‌های سینمایی در ایران رقم زد.

### حسن لطفی نویسنده و منتقد سینما:

#### آمارهایی که حقیقت نمی‌گویند

انطور که زنده یاد مسعود مهرابی در پیشگفتار کتاب «کتابشناسی سینما در ایران» نوشته از اولین کتاب سینمایی تا سال ۱۳۶۶ (حدود شصت سال) فقط ۴۹۶ کتاب سینمایی به چاپ رسیده است. این یعنی مجموع کتاب‌های سینمایی سال ۱۴۰۰ فقط ۱۳۶ جلد کمتر از این تعداد است. نمودارها و آمارها رسمی هم نشان از رشد صعودی چاپ کتاب در ایران دارد.

### محمد هاشمی؛ نویسنده، پژوهشگر و مدرس هنر

#### وظیفه دولت در حوزه نشر برخورد با کاسب کارها است

بر اساس اطلاعات شخصی‌ام، متأسفانه ناشران خصوصی وضعیت چندان خوبی ندارند و بسیاری از آنها، به خصوص کسانی که تخصصشان چاپ کتاب‌های فرهنگی هنری است همواره در آستانه ورشکستگی به سر می‌برند. یک قسمت از این موضوع به عدم علاقه عمومی به کتاب‌هایی که بخش عمیق‌تر و اندیشمندانه‌تری از زندگی را مورد تأمل قرار می‌دهند، برمی‌گردد و بخش دیگر به رفتارهای تبعیض‌آمیز در سیاست‌گذاری‌ها و بخشی هم مربوط است به نگاه کاسب کارانه در حوزه نشر. مثلاً من شنیده‌ام که وزارت فرهنگ، چندین سال پیش پنجاه نسخه از هر جلد کتاب تازه چاپ شده را می‌خرید تا هم کمی به مولف و ناشر باشد و هم کتاب، در جاهایی که دسترسی کمتری به کتاب وجود دارد پخش شود. اما الان این کمک، تنها شامل حال کتاب‌های دولتی یا موضوعات خاص مورد علاقه دولت می‌شود. در نمایشگاه کتاب هم غرفه‌های بهتر به ناشران دولتی اختصاص می‌یابد و بخش خصوصی در جاهایی از نمایشگاه جا داده می‌شوند که چندان در معرض دید نیستند! یا پخش‌کننده طوری با ناشر کار می‌کند که عمده سود اقتصادی ناشی از فروش کتاب نصیب خودش شود.

تعداد چاپ در هر نوبت نشر برای ناشران خصوصی از ۳۰۰۰ نسخه در سال‌های گذشته به ۳۰۰ نسخه و کمتر در هر نوبت چاپ رسیده که همان‌ها هم به زحمت فروش می‌روند. این نوع برخورد خودبیگانه ساز در حوزه چاپ و نشر، با مطامع و اهداف خاص اقتصادی سیاسی دراز مدت لطمات جبران‌ناپذیری به فرهنگ عمومی می‌زند. مردم یک جامعه سلاقی فرهنگی مختلفی دارند و باید برای این سلاقی مختلف خوراک مطالعاتی متنوع فراهم و تلاش کرد که این سطوح مطالعاتی از سطح فرهنگ و کتاب زد بالا برود و عمیق‌تر شود. همچنین دولت در بخش نظارتی و حمایتی خود، وظیفه اصلی‌اش این است که جلوی کاسب‌کاری‌ها و دلال مسلک‌ها را در حوزه چاپ و نشر بگیرد.

### امیرعلی نصیری؛ منتقد و مدرس دانشگاه

#### حمایت‌های دولتی از کتاب‌های سینمایی ناچیز است

در طول سالیان گذشته، بازار نشر کتاب‌های سینمایی در ایران با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو بوده است؛ از یک طرف، در سال‌های اخیر، شاهد رونق نسبی در این حوزه بوده‌ایم. از طرف دیگر، با افزایش قیمت کاغذ، نقش کتاب (و به‌طور کلی کالای فرهنگی) در سبد خانوار